

موج جدید اعتراضات خیابانی افق و دورنمای پرولتاری



صحنه ای از اعتراضات خیابانی

صدای انترناسیونالیستی

E-mail: contact@internationalistvoice.org

Homepage: www.internationalistvoice.org

تلگرام: <https://t.me/intvoice>

موج جدیدی از اعتراضات خیابانی و اجتماعی در اعتراض به شرایط اجتماعی، سراسر جامعه را فرا گرفته است. سرکوب لجام گسیخته دولت پلیسی با دهها کشته، صدها زخمی و هزاران دستگیری مانع گسترش اعتراضات نشده است. اعتراضات از شمال تا جنوب، از غرب تا شرق را در نوردیده و بیش از ۱۱۰ شهر درگیر اعتراضات خیابانی شده است.

جان باختن مهسا امینی جرقة انفجار سیاسی را زد و خشم فروخته توده‌های فرودست را رها کرد. اما همچون اعتراضات سال ۱۳۹۶ و اعتراضات سال ۱۳۹۸ شرایط اسفناکی که سرمایه‌داری در حال اضمحلال برای توده‌های کارگر و اقشار تحتانی جامعه بوجود آورده است، زمینه اعتراضات شهریور ۱۴۰۱ را مهیا کرده است. نسل جوانی که هیچ آینده‌ای برای خود تصور نمی‌کنند و چیزی برای دست دادن ندارند، نیروی مادی این اعتراضات را تشکیل میدهد. شجاعت، فداکاری و روحیه مبارزاتی معترضان بر علیه دولت پلیسی که یک جهنم زمینی برای تک تک افراد جامعه بوجود آورده، نشان میدهد که میشود در مقابل درنده‌ترین دولت پلیسی نیز سر را بلند کرد و اعتراض کرد. پلیس ضد شورش تا دندان مسلحی که تا دیروز قدرت خدایی میکرد، نتوانست در مقابل خشم معترضان مقاومت کند و در شهرهایی چون تبریز، آمل، اردبیل و... با افضاح در حال فرار است، پوشالی بودن قدرت سرکوبگران را در مقابل مبارزه متحد نشان میدهد.

تمامی گرایش‌های سیاسی سرمایه‌داری از راست تا چپ، از سلطنت‌طلبان تا چپ‌های کلام رادیکال، از جریانات ناسیونالیست و قوم پرست تا مجاهدین، پیشروی جنبش مردم را اعلام می‌کنند، هدف همگی شان نیز یکی است. سیاهی لشکر شدن طبقه کارگر در جنبشهای مردمی و تکرار حوادث سال ۱۳۵۷. چیزی که حتی اگر طبق خواسته‌های آنها پیش رود، تنها به تغییر رژیم در چهار چوب نظام سرمایه‌داری منجر خواهد شد.

بخاطر تنش‌های امپریالیستی که بین بورژوازی غرب و جمهوری اسلامی جریان دارد، غربی‌ها تحت عنوان دفاع از دموکراسی از مبارزات مردمی ایران دفاع کرده‌اند. حتی از این مسئله بعنوان اهرم فشار برای تحت فشار قراردادن جمهوری اسلامی استفاده می‌کنند. سعی میکنند و انمود کنند که این اعتراضات نوعی «انقلاب رو سری» همانند انقلابات رنگی در دیگر کشورها است. اما چه کسی است که نداد، آنها هیچ فرقی با جنایتکاران اسلامی ندارند و فقط بدنبال منافع امپریالیستی خود هستند.

یکی از ویژگی‌های اساسی اعتراضات خیابانی مردمی این است که در چنین اعتراضاتی انسانهای کارگر، اقشار تحتانی و میانی جامعه با هر نوع تفکر و تعلق طبقاتی در آنها شرکت می‌کنند، مثل جنبش جلیقه زردهای فرانسه. کارگران در چنین جنبش‌هایی نه بعنوان یک طبقه اجتماعی بلکه همچون کارگران منفرد شرکت میکنند.

در اعتراضات خیابانی تا این لحظه، طبقه کارگر بعنوان یک طبقه اجتماعی ظاهر نشده است. انسانهای کارگر و بخصوص جوانان و لشکر بیکاران در کنار دیگر اقشار جامعه در اعتراضات شرکت کرده‌اند. اگر شرایط مادی برای اعتراضات اجتماعی مهیا باشد ولی معترضان برای اعتراض خود افق یا دورنمایی نداشته باشند، جامعه منفجر خواهد شد و این اعتراضات بیشتر شکل طغیان‌ها، عصیان‌ها و یا حتی قیام‌ها خواهند گرفت.

زمانیکه جامعه هنوز به موقعیت انقلابی ارتقاء نیافته و قدرت دوگانه در جامعه حاکم نیست و یا اینکه طبقه کارگر بعنوان یک طبقه اجتماعی وارد جدالهای طبقاتی نشده است، در چنین شرایطی هژمونی اعتراضات مردمی خیابانی در دستان طبقه کارگر نیست. در چنین شرایطی آنچه در پشت سنگربندی خیابان قرار دارد، انواع و اقسام ایدئولوژی‌های سرنگونی طلبانه است. افرادی که در اعتراضات مردمی سنگر خیابان را در تسخیر خود دارند، ماهیت سنگر بندی خیابان را تعریف نمی‌کنند، بلکه از قبل مواضعی در خیابان موجود است. در اعتراضات مردمی، در خیابان انسانهای کارگر، جدا شده از طبقه، آن‌هم در شکل شورش، نمی‌توانند مواضع طبقاتی خود را بیان کنند، بلکه در خیابان به سیاهی لشکر طبقات دیگر تبدیل می‌شوند.

مسئله حائز اهمیت این است که گویا هر اعتراضی، هر چقدر خونین تر باشد، همانقدر رادیکال تر است. این یک درک اشتباهی است و ربطی به سنت مبارزاتی طبقه کارگر ندارد. چنین نگرش‌هایی ریشه در سنت آنارشیسم دارد که باوری به قدرت جمعی و طبقاتی طبقه کارگر ندارد. از افق طبقاتی، از منظر مبارزه ضد سرمایه داری، از دید کمونیستی، اعتراضات کارگری در پائیز ۱۳۹۷ که حتی یک نفر نیز کشته نشد، رادیکال تر و ضد سرمایه داری تر از اعتراضات آبان ماه ۱۳۹۸ بود. اعتراضات کارگری پائیز ۱۳۹۷ توانست خانواده‌ها را به خیابان بیاورد، مردم محلات را به خیابان بکشاند، خیابان به مجامع عمومی تبدیل شده بود. خیابان، محله و کارخانه به محل بحث و گفتگو، حتی جدل تبدیل شده بود. فاکتورهای ذکر شده منجر شد تا معترضین با آگاهی جمعی به اعتراض خود ادامه دهند و این مسئله در روند خود باعث شد تا اعتراضات روز به روز رادیکال تر شود. اگر چه

اعتراضات شکوهمند پائیز ۱۳۹۷ سرکوب شد اما دستاورد آنها به بخشی از حافظه تاریخی تبدیل شده است. اعتراضات اجتماعی و مارش خیابانی باید در خدمت جنبش طبقاتی کارگران قرار گیرد، خیابان باید به محل تجمع خانواده‌ها تبدیل شود، خیابان باید به مجمع عمومی معترضین تبدیل شود. در چنین شرایطی است که اعتراضات به جای اعتراض ضد رژیم، شکل ضد سرمایه داری بخود میگیرد و زمینه‌های شکل‌گیری کمیته‌های کارخانه، اعتصاب، محلات و دیگر نهاد‌های اعتراضی را مهیا میکند.

زمانیکه طبقه کارگر بعنوان **یک طبقه اجتماعی** در تحولات جامعه ظاهر میشود، مانور دادن گرایش‌های ارتجاعی بورژوازی بشدت پائین می‌آید. نمونه واضح آن اعتراضات کارگری پائیز ۱۳۹۷ است، زمانیکه بی‌بی‌سی، صدای آمریکا و غیره خفه شده بودند. در چنین شرایطی گرایش‌های بورژوازی، بخصوص گرایش‌های سالوس بورژوازی غربی، ناچار هستند تا خفه شوند. چرا که دولتهای غربی بودجه جنگی (دفاعی) خود را با چنگ انداختن به سطح زندگی طبقه کارگر تامین میکنند و به تبع آن تورم در بریتانیا و آمریکا ۲ رقمی شده است. نتیجه سیاست‌های ریاضت اقتصادی دولتهای غربی به میدان آمدن طبقه کارگر در چنین کشورهایی شده است. اعتراضات کارگری و اعتصابات وحشی همه جای بریتانیا را گرفته و در دیگر کشورهای غربی نیز جریان دارد. درد و منافع طبقه کارگر سواى از اینکه به چه زبانی صحبت میکند، چه در ایران باشد، چه در بریتانیا، یکی است، لذا غربیها، بی‌بی‌سی، کاخ سفید و... نمی‌توانند از اعتراضاتی که ماهیت طبقاتی پرولتری دارد دفاع کنند و مجبورند خفه شوند.

همزنجیران!

تمامی نگاهها، تمامی امیدها به طبقه ما دوخته شده است. اگر غول خفته بیدار نشود، اگر طبقه کارگر بعنوان یک طبقه اجتماعی در این اعتراضات ظاهر نشود، اگر اعتراضات مسیر مستقل طبقاتی را در پیش نگیرد، اگر طبقه کارگر کمیته‌های محلات، کارخانه، اعتصاب، مبارزه و دیگر نهادهای مستقل خود را ایجاد نکند، مبارزه طبقه ما تنها در خدمت مبارزه ضد رژیم قرار خواهد گرفت. همانطوریکه در سال ۱۳۵۷ بورژوازی اسلامی برگرده مبارزات ما سوار شد و در نتیجه آن بورژوازی اسلامی جایگزین بورژوازی سلطنتی شد، اما بردگی مزدی برای طبقه ما تداوم یافت.

منافع ما در این نیست که فقط طبقه حاکمه را عوض کنیم، منافع طبقاتی ما در این است که نابودی کل سیستم سرمایه داری را نشانه گیری کنیم. مبارزه طبقاتی در روند تکاملی خود بخاطر ماهیت ضد سرمایه داری آن، نه تنها به دیگر کشورهای سرمایه داری سرایت خواهد کرد بلکه دولت سرمایه را نیز به چالش خواهد کشید. ما فقط باید بخاطر منافع طبقاتی مان بجنگیم.

زنده باد جنگ طبقه علیه طبقه!

صدای انترناسیونالیستی

۲ مهر ۱۴۰۱